بخشش مرد اعدامی به حرمت ماه محرم

گروه حوادث/ کارگر میوه فروشی که به اتهام قتل زن همسایه به قصاص محکوم شده بود موفق شد پس از ۹ سال به حرمت ماه محرم از سوی اولیای دم بخشیده شود.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۵ مهر سال ۹۱ زن جوانی در حالی مواجه شدند که روسری اش دور گردن او پیچیده شده بود. متخصصان پزشکی قانونی علت مرگ را خفگی اعلام کرده و بررسی‌ها نشان می‌داد که جنایت شب قبل رخ داده است. همچنین در صحنه قتل آثار خونی کشف شد که احتمال می‌رفت متعلق به عامل جنایت باشد.

در بررسی‌های اولیه مشخص شد که در ورودی خانه سالم بوده و به همین دلیل فرضیه جنایت از سوی فردی آشنا قوت گرفت. از سوی دیگر فقط گوشی تلفن همراه مقتول سرقت شده و طلا و پول‌هایش دست نخورده بود.

در تحقیقات از همسایه‌ها سرنخ اصلی به‌دست تیم جنایی افتاد. در بررسی‌ها مشخص شد مرد جوانی که کارگر مغازه میوه فروشی است و چندین بار برای وی میوه به خانه‌اش برده بود شب قتل در اطراف خانه قربانی دیده شده است.

با این سرنخ، تیم جنایی به تحقیق از خانواده مقتول پرداخته و مشخص شد کارگر میوه فروشی از مقتول خواستگاری کرده بود اما به علت مخالفت شدید خانواده این ازدواج رخ نداده بود.

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری کارگر میوه فروشی وارد عمل شدند اما معلوم شد وی که افغانستانی بوده پس از این قتل با صاحبکارش تسویه حساب کرده و به‌جای نامعلومی رفته است.

تحقیقات برای دستگیری تنها مظنون این پرونده ادامه داشت تا اینکه وی اسفند سال ۹۱، در حالی که در اردوگاه افغان‌ها بود دستگیر شد.

متهم جوان در تحقیقات منکر قتل شد این در حالی بود که در بازرسی بدنی از وی گوشی تلفن همراه مقتول کشف شد.

گرچه وی مدعی بود که گوشی تلفن همراه را از دستفروش‌های خیابان مولوی خریداری کرده است، اما این اظهارات نتوانست مسیر تحقیقات را تغییر دهد.

وی در ادامه تحقیقات گفت: من کارگر مغازه‌ای بودم که مقتول از آن خرید می‌کرد و گاهی اوقات بار میوه‌هایش را برایش می‌بردم. در این مدت به او علاقه‌مند شدم و چون به‌خاطر بچه‌هایش به خواستگاری‌ام پاسخ منفی داد خیلی ناراحت شدم. به همین خاطر هم قهر کردم و پس از تسویه حساب از آن محل رفتم، اما اینکه من قتلی مرتکب شده باشم واقعیت ندارد. بعد هم به کشورم برگشتم و دو ماه آنجا بودم و دوباره راهی ایران شدم اما پلیس به‌خاطر ورود غیر قانونی مرا بازداشت کرد و در اردوگاه افغان‌ها بودم که توسط کارآگاهان آگاهی پایتخت شناسایی و دستگیر شدم.

گرچه متهم افغانستانی در تمام مراحل تحقیقات منکر جرم خود بود و به قتل اعتراف نکرد، اما باتوجه به اینکه آزمایش خونی که در صحنه قتل به‌دست آمد با خون وی مطابقت داشت و گوشی تلفن مقتول نیز از وی کشف شد و همسایه‌ها نیز او را در شب جنایت در نزدیکی خانه مقتول دیده بودند همه مدارک و شواهد علیه وی بود و به‌همین خاطر راهی زندان شد.

متهم پس از تکمیل تحقیقات، در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. قضات دادگاه باتوجه به مدارک و شواهد موجود در پرونده و درخواست دو دختر و یک پسر قربانی برای اشد مجازات وی، سرانجام حکم قصاص او را صادر کردند. با تأیید این حکم از سوی دیوانعالی کشور، پرونده برای اجرای حکم به شعبه اول اجرای احکام دادسرای امور جنایی پایتخت ارسال شد.

به درخواست اولیای دم اوایل سال گذشته مرد جوان پای چوبه دار رفت اما با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی پایتخت موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد.

با پایان این مهلت وی با درخواست اولیای دم، برای بار دوم به چوبه دار نزدیک شده بود که با تلاش قاضی موسوی، از شعبه اول اجرای احکام دادسرای امور جنایی پایتخت و تیم صلح و سازش دادسرا سرانجام فرزندان مقتول به‌خاطر رضای خدا و به حرمت ماه محرم از اعدام او صرفنظر کردند و بدین ترتیب متهم بزودی در دادگاه کیفری از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

همسرکشی به خاطر صحبت با تلفن

گروه حوادث/ مرد جوان که متهم است همسرش را به خاطر اختلاف خانوادگی به قتل رسانده بزودی در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از دی سال ۹۹ با تماس زنی که مدعی بود خواهر ۲۴ ساله‌اش در خانه به قتل رسیده، آغاز شد. پس از آن مأموران به محل حادثه رفتند و جسد زهره را به پزشکی قانونی منتقل کردند بلافاصله نیز تحقیقات درباره شناسایی عامل جنایت در دستور کار پلیس قرار گرفت.

خواهر مقتول به مأموران گفت: زهره و شوهرش سهراب ۳ سال قبل با هم ازدواج کردند و یک دختر دو ساله هم دارند. آنها از مدتی قبل باهم اختلاف پیدا کرده بودند تا اینکه چند ساعت قبل مادرم بامن تماس گرفت و گفت زهره و سهراب با هم درگیر شده‌اند و سهراب پس از ترک خانه در خیابان تصادف کرده است. من بلافاصله به خانه خواهرم رفتم هرچه در زدم کسی در را باز نکرد. با کمک همسایه‌ها در را باز کردم و دیدم که زهره در حالی که خون زیادی از او رفته بود وسط آشپزخانه روی زمین افتاده و در کنار او یک هاون و یک کارد خونی هم افتاده که با پلیس تماس گرفتم.

خواهر قربانی در ادامه گفت: چند وقت پیش خواهرم گفت که سهراب اعتیاد دارد و از این موضوع خیلی ناراحت بود؛ می‌گفت که دیگر علاقه‌ای به شوهرش ندارد.

در ادامه تحقیقات مأموران پلیس عصر همان روز متوجه شدند که سهراب در یکی از بیمارستان‌های شرق تهران بستری شده است که پس از بهبودی نسبی و در نخستین بازجویی به قتل همسرش اعتراف کرد.

در این میان پزشکی قانونی علت مرگ زهره را فشار بر عناصر حیاتی گردن اعلام کرد و در تکمیل این گزارش هم آورده بود که کوفتگی‌های شدید و ضربات جسم سخت (هاون) روی بدن قربانی مشاهده شده است به‌طوری که جمجمه او در اثر ضربات شکسته است.

مادر مقتول در حالی که از دامادش شکایت داشت به پلیس گفت: هفته قبل دخترم از خانه شوهرش قهر کرد و به خانه ما آمد. او می‌گفت سهراب به حشیش معتاد شده و مدام او را کتک می‌زند. من و همسرم با او و سهراب صحبت کردیم و با وساطت ما؛ دخترم را به خانه شوهرش برگرداندیم. اما هرگز فکر نمی‌کردیم دامادم دست به چنین جنایتی بزند. من و همسرم از او شاکی هستیم و باید قصاص شود.

سهراب ۳۰ ساله نیز در بازجویی‌ها گفت: من همسرم را دوست داشتم اما مدتی بود رفتارهای او تغییر کرده بود و عکس‌های بی‌حجابش را در فضای مجازی منتشر می‌کرد. سر همین موضوع با هم درگیر شدیم. آخرین بار من و زهره در خانه تنها بودیم. نیمه شب بود که حشیش کشیدم اما متوجه شدم زهره با یکی از دوستانش تلفنی صحبت می‌کند. دوست نداشتم آن وقت شب او با کسی تلفنی حرف بزند. وقتی به او اعتراض کردم گفت به تو ربطی ندارد اگر خیلی غیرت داری مواد نکش بعد هم لیوانی را به سمتم پرتاب کرد. همان موقع کنترل اعصابم را از دست دادم و با چاقو و هاون چند ضربه به سر و صورتش زدم. وقتی روی زمین افتاد، گلویش را فشار دادم. من در آن لحظه دچار جنون شده بودم و کنترلی بر رفتارم نداشتم. وقتی متوجه شدم زنم مرده است از ترس خودزنی کردم و بعد هم به بیمارستان رفتم و گفتم تصادف کرده‌ام.

با تکمیل تحقیقات پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی محاکمه خواهد شد.

سفر ۱۷۰ کیلومتری برای نجات ۱۵۰ بیمار

گروه حوادث: راننده تریلی که برای رساندن دستگاه اکسیژن ساز به بیماران بستری در بیمارستان قائمشهر ۱۷۰ کیلومتر را با لاستیک پنچر طی کرده بود انگیزه خود را از این کار کمک به بیماران کرونایی بدحال عنوان کرد.

شاهرخ بیگدلی - راننده تریلی

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن راننده یک تریلی در حالی که لاستیک خودرواش پنچر شده بود در جاده حرکت می‌کرد که این موضوع منجر به پاره شدن کامل لاستیک شد. اما راننده اصرار داشت که با همان وضعیت به مسیرش ادامه دهد چون باید بار تریلی‌اش را که اکسیژن بود هر چه سریع‌تر به بیمارستان رازی قائمشهر برساند.

شاهرخ بیگدلی که ۲۶ سال راننده تریلی است پس از رساندن محموله اکسیژن به بیمارستان در شرح این ماجرا گفت: ۱۰ سال است که به عنوان راننده پتروشیمی مشغول به کار هستم و محموله‌های مربوط به اکسیژن و آمونیاک را جابه‌جا می‌کنم. چند روز قبل یکی از بیمارستان‌های قائمشهر درخواست ارسال دستگاه‌های اکسیژن‌ساز برای بیمارا ن کرونایی داشت که به صورت داوطلبانه این کار را قبول کردم.

او ادامه داد: حمل دستگاه اکسیژن‌ساز دارای قلق و روش خاصی است که با توجه به سابقه‌ای که داشتم و در راه رضای خدا این اقدام را قبول کردم اما در بین راه لاستیک تریلی پنچر شد و من چون لاستیک زاپاس نداشتم، با بیمارستان تماس گرفتم که دیر می‌رسم اما اعلام کردند که بیمارستان بشدت به این دستگاه‌ها احتیاج دارند و اگر دیر برسی، حدود ۱۵۰ بیمار جان خود را از دست می‌دهند. با شنیدن این حرف و با توجه به درخواست دکتر و پرستاران برای این دستگاه‌های اکسیژن‌ساز تصمیم گرفتم با همین وضعیت دستگاه‌ها را به بیمارستان تحویل دهم که خدا را شکر توانستم سالم و بموقع برسانم و جان این بیماران را نجات دهم.

این راننده ۶۰ ساله گفت: گروهی از مردم در قائمشهر و دیگر شهرها تصمیم گرفتند تا با جمع‌آوری پول، خسارت لاستیک تریلرم را بپردازند اما من گفتم پول نمی‌خواهم و به هیچ وجه خسارتی دریافت نمی‌کنم و از مردم خواسته‌ام تا اگر می‌خواهند پولی جمع کنند، آن را برای تهیه دارو و خدمات پزشکی بیماران کرونایی پرداخت کنند.

رمال اینترنتی دستگیر شد

گروه حوادث: مرد شیاد که با انتشار آگهی طالع بینی و فالگیری در تلگرام، پس از جلب اعتماد و دادن وعده‌های دروغین از مشتری‌هایش مبالغ زیادی پول دریافت می‌کرد، دستگیر شد.

سرهنگ حمید رضا سلطان آبادی، رئیس پلیس فتای شرق استان تهران در تشریح این خبر گفت: در پی رصدهای مستمر کارشناسان این پلیس، کانال تلگرامی که اقدام به تبلیغ دعانویسی، جادوگری و دادن طلسم می‌کرد شناسایی شد و رسیدگی به آن در دستور کار مأموران این پلیس قرار گرفت.

در نخستین بررسی‌ها مشخص شد متهم با تبلیغ فالگیری و رمالی و فروش طلسم و ارسال آنها به وسیله پست پیشتاز برخی از شهروندان را فریب داده که با انجام تحقیقات فنی متهم شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی در مخفیگاه موقتش دستگیر شد.

این مقام مسئول ادامه داد؛ متهم پس از انتقال به پلیس فتا و روبه رو شدن با ادله جرم ضمن پذیرش جرم خود اعتراف کرد و گفت: با درج و انتشار آگهی طالع بینی و فالگیری، پس از جلب و سوءاستفاده از اعتماد قربانیان، با دادن وعده‌های دروغین از آنها مبالغ زیادی پول دریافت می‌کردم.

سرهنگ سلطان‌آبادی ضمن اشاره به این موضوع که با تقویت باورهای دینی و افزایش آگاهی، راه سوءاستفاده و سودجویی این کلاهبرداران بسته خواهد شد، افزود: افراد سودجو، مسائل خرافاتی را که پایه دینی و علمی ندارند به روش‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی منتشر و به این ترتیب با سوءاستفاده از اعتماد کاربران اقدام به کلاهبرداری از آنها می‌کنند.

رئیس پلیس فتای شرق استان تهران از شهروندان خواست که در صورت اطلاع از هرگونه فعالیت مجرمانه در فضای مجازی آن را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس https://www.cyberpolice.ir گزارش کنند.

تجویز داروهای غیر مجاز در نسخه پزشک قلابی

گروه حوادث: پزشک قلابی که با ایجاد یک صفحه در شبکه اجتماعی برای مراجعان، بدون نسخه دارو تجویز می‌کرد از سوی پلیس دستگیر شد.

سرهنگ حمیدرضا سلطان آبادی، رئیس پلیس فتا فرمانده انتظامی ویژه شرق استان تهران در تشریح این خبر اظهار داشت: برابر رصدهای مستمر کارشناسان این پلیس، صفحه مجرمانه‌ای که در بستر فضای مجازی اقدام به تبلیغ و فروش انواع محصولات دارویی غیرمجاز می‌کرد، شناسایی شد. کارشناسان این پلیس پس از جمع‌آوری ادله جرم با اقدامات فنی و با هماهنگی مقام قضایی متهم اصلی پرونده را شناسایی ودستگیر کردند.

وی با اشاره به کشف مقادیری داروی غیرمجاز از مخفیگاه متهم، خاطرنشان کرد: وی که در ابتدا خود را پزشک معرفی کرده بود، پس از انتقال به پلیس فتا و روبه رو شدن با ادله جرم ضمن پذیرش بزه انتسابی به جرم خود اعتراف کرد.

سلطان‌آبادی ضمن اشاره به این موضوع که خرید و فروش هرگونه دارو در فضای مجازی ممنوع است، افزود: اکثر داروهای ارائه شده از سوی این فرد دارای مجوز از وزارت بهداشت نبوده و به‌صورت زیرزمینی در کشور تولید یا توسط افراد سودجو به‌صورت قاچاق وارد کشور می‌شد.

دادگاه خانواده

طلاق به خاطر دخالت های خواهرشوهر

گروه حوادث: زوج جوان در انتهای راهروی طبقه اول دادگاه خانواده با فاصله‌ای نه چندان زیاد از یکدیگر ایستاده بودند. زن جوان آرام گریه می‌کرد و همسرش اصرار داشت که اگر به خاطر اشتباهی که مرتکب شده عذرخواهی نکند خیلی زود از هم جدا خواهند شد.

دقایقی بعد منشی دادگاه آنها را به داخل اتاق قاضی راهنمایی کرد و پس از ورود به اتاق، زن جوان که نرگس نام داشت با فاصله چهار صندلی از همسرش - میلاد- نشست، قاضی پس از چند دقیقه مطالعه پرونده رو به میلاد کرد و گفت: ماجرا چیست؟ چرا دادخواست طلاق داده‌اید؟

در همین موقع نرگس که همچنان اشک می‌ریخت، گفت: آقای قاضی اجازه بدهید من بگویم و بعد شما قضاوت کنید. من و میلاد فامیل هستیم البته خیلی دور در مراسم عروسی یکی از فامیل ها همدیگر را دیدیم و خیلی سنتی با پیشنهاد خانواده‌ها ازدواج کردیم قبل از عقد شنیده بودم خواهرش مژگان زبان تند و تیزی دارد و به‌خاطر همین مسأله هم با همسرش به مشکل خورده است و اختلاف دارند با این حال موضوع را جدی نگرفتم چون پدرم به من گفته بود میلاد پسر خوبی است و از طرفی با خودم گفتم من که قرار نیست با خواهر میلاد زندگی کنم اما این تصور من اشتباه بود و من نمی‌دانستم خانواده هر دو طرف نقش زیادی در زندگی دارند.

جناب قاضی در مدت دو ماهی که ما عقد بودیم متوجه شدم میلاد به‌جای اینکه در مورد خرید وسایل و جزئیات چیدمان خانه با من مشورت کند از خواهرش نظرخواهی می‌کند برایم خیلی عجیب بود اما به احترام اینکه از ما بزرگتر بود حرفی نزدم و اعتراضی نکردم. از طرفی چون میلاد مرد خوبی است و رفتار بدی از او ندیدم، تحمل کردم و این کارهایش را به حساب احترام به خواهر و خانواده‌اش می‌گذاشتم تا اینکه بعد از ازدواج کم کم متوجه شدم میلاد مرد دهن بینی است و بشدت تحت تأثیر مادر و خواهرش است.

الان هم که حدود ۶ ماه از زندگی مشترکمان می‌گذرد و شناخت بیشتری از او پیدا کرده‌ام زندگی مشترک برایم جهنم شده است. خواهرش در همه مسائل زندگی ما دخالت مستقیم دارد و شوهرم بدون مشورت با او آب هم نمی‌خورد. از خرید لباس برای خودش گرفته تا خرید برای خانه و کار و میهمانی و سفر رفتن با او مشورت می‌کند. وقتی هم به او اعتراض می‌کنم می‌گوید خواهرم با تجربه است و صلاح ما را می‌خواهد.

قاضی رو به میلاد کرد و گفت: حرف‌های همسرت را تأیید می کنی؟

میلاد گفت: بله نرگس درست میگه ولی خواهرم از من سنش بیشتر و تجربه بیشتری داره من از راهنمایی‌های او استفاده می‌کنم اینکه عیب نیست آدم باید در زندگیش مشورت کنه.

نرگس گفت: راهنمایی و مشورت کردن خوبه منم مخالفش نیستم اما خواهر تو راهنمایی نمی کنه بلکه مستقیم داره در زندگی ما دخالت می‌کنه. جناب قاضی خواهرش تازه طلاق گرفته و می‌خواهد زندگی ما را هم خراب کند. مژگان اگر چیزی بلد بود زندگی خودش را حفظ می‌کرد.

میلاد که از شنیدن حرف‌های نرگس عصبانی شده بود با لحن تندی گفت: به تو چه ربطی دارد که طلاق گرفته در مورد خواهرم درست صحبت کن.

نرگس با بغض رو به قاضی کرد و گفت: می‌بینید آقای قاضی تا درباره خواهرش حرف می‌زنم عصبانی می‌شود و به من پرخاش می‌کند. من تمام مشکلم این است که میلاد با این همه وابستگی به مادر و خواهرش چرا ازدواج کرده، خب همان خانه پدرش می‌ماند و به دستور آنها عمل می‌کرد.

آقای قاضی من خسته شدم نمی‌توانم این زندگی را تحمل کنم شما جای من بودید چه کار می‌کردین؟

میلاد رو به قاضی کرد و گفت: خواهرم نیاز به توجه دارد تازه از شوهرش جدا شده و من به‌خاطر اینکه بهش روحیه بدم و کاری کنم که از زندگی گذشته خودش فاصله بگیره باهاش مشورت می‌کنم که احساس تنهایی نکنه اگر نرگس من را دوست داره باید تحمل کنه.

قاضی دادگاه با شنیدن این صحبت‌ها گفت، میلاد تو باید بین زندگی مجردی و متأهلی فرق بزاری، اینکه خواهرت الان نیاز به توجه داره دلیل منطقی نیست که بخواد در زندگی تو دخالت کنه مشورت کردن خوبه اما از یک فرد متخصص؛ مگر خواهر تو متخصص حوزه خانواده هست؟

میلاد گفت: جناب قاضی من نمی‌توانم روی حرف خواهرم حرف بزنم و به خواهرم چیزی بگم. من مژگان را دوست دارم، نرگس را هم دوست دارم ولی از نرگس می‌خوام من را درک کنه و از خواهرم بابت بحثی که چند هفته پیش داشتند عذرخواهی کند.

نرگس هم با صدای بلند گفت: من هیچی نگفتم جناب قاضی خواهرش به من میگه نباید با دوستام برم بیرون بحث‌مان سر همین بود و خواهرش بهم توهین کرد اصلاً به خواهر میلاد چه ربطی داره من با دوستام برم بیرون، من عذرخواهی نمی کنم. من فقط به خواهرش گفتم در زندگی ما دخالت نکن. حالا به‌خاطر این حرف‌های من خواهرش می‌خواهد تلافی کنه و میلاد را علیه من تحریک کرده. او کاری کرد که میلاد من را کتک زد حالا من از خواهرش عذرخواهی کنم؟

نرگس رو به میلاد کرد و گفت: من زندگی‌ام و تو را دوست دارم اما به یک شرط حاضر به ادامه زندگی هستم اینکه به خواهرت اجازه دخالت در زندگی‌مان را ندهی. من دیگر از دست کارهای تو و خواهرت خسته شده‌ام.

قاضی پس از شنیدن این صحبت‌ها گفت: شما باید دو ماه پیش مشاور بروید اگر مشکلتان حل نشد آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم فعلاً بیایید صورت جلسه را امضا کنید وقت این جلسه تمام شد.

نگاه کارشناس

امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده/ یکی از آفت‌های اصلی زندگی زوج‌های جوان دخالت‌های بی‌جای خانواده هاست.

نکته اول در خصوص این پرونده این است که میلاد مسئولیت‌پذیری و استقلال ندارد. او نباید در تمام امور زندگی خودش اول از همه نظر خواهرش را بپرسد بلکه او باید اول با همسرش صحبت و مشورت کند و اگر احساس کرد فرد دیگری می‌تواند به آنها کمک کند از آن فرد کمک بگیرد که بهتر است آن فرد یک مشاور خانواده باشد.

نکته دوم این است که زوج‌های جوان باید بدانند قبل از ازدواج راجع به این مسائل باید با هم گفت‌وگو و چهارچوب زندگی مشترک خود را مشخص کنند و اجازه دخالت به دیگران را به هیچ وجه ندهند متأسفانه در این پرونده در این خصوص هیچ صحبتی انجام نشده است.

نکته سوم اینکه دلسوزی و مشورت کردن با دخالت فرق زیادی دارد. در این پرونده خواهر میلاد به‌طور مستقیم دخالت می‌کند و میلاد هم برای جلوگیری از این دخالت، کاری نمی‌کند همین مسأله باعث شده این زوج نتوانند خودشان در خصوص حل مشکلات‌شان با هم گفت‌وگو کنند و راه حل مناسبی پیدا کنند.

زوج‌های جوان باید بدانند در تمام امور زندگی مشترک باید با هم مشورت کرده و نظر خودشان در اولویت قرار داشته باشد.